

روش‌شناسی تربیت در جهت بازداری از دخالت با تأکید بر آیه دوازده سوره حجرات

هادی رزاقی هریکنده‌ئی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۷

رقیه صادقی آهنگری**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۸

چکیده

از مسائل بسیار مهمی که دین اسلام به آن شدیداً اهتمام دارد، نگره‌داری حرمت و آبروی مسلمین و پرهیز از جست‌وجوی عقاید و دخالت کردن در زندگی دیگران است. دخالت و خبرجویی از اندرون زندگی شخصی مردم جایز نبوده و کسی اجازه ندارد که اسرار و لغزش‌های مردم را افشا کند؛ در حقیقت جست‌وجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازها و احیاناً عیوب نهانی مردم، و اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی افراد فاش شود. لذا پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در صدد است با توجه به آیه ۱۲ سوره حجرات عوامل بروز تجسس و دخالت همچون عدم تقوا، حسادت و عداوت را از منظر آیات مورد بررسی قرار داده و بیان نماید که در صورت عدم ترک، این رذیله اخلاقی می‌تواند پیامدهای سوئی را از جمله افشاء زندگی شخصی و ایجاد تنفر در بین افراد ایجاد نماید. در پایان نیز با اشاره به راهکار درمانی این بیماری اخلاقی؛ بیان می‌دارد که عمل به دستورات قرآن در انتخاب روش تربیتی صحیح می‌تواند آسایش خاطر و امنیت بر زندگی شخصی افراد را حاصل نماید.

کلیدواژگان: روش، تربیت، تجسس، دخالت، حجرات، اسلام، قرآن.

مقدمه

گاهی برخی از انسان‌ها با رفتارهای نادرست مانند تجسس و دخالت باعث برهم زدن آسایش روحی افراد در زندگی می‌شوند. از آنجا که اسلام دین کاملی است و اصلاح فرد و جامعه را در نظر دارد و برای تأمین رفاه و آسایش دنیا و سعادت آخرت انسان برنامه‌ریزی کرده است؛ بدین منظور باورها، امور اخلاقی و احکام خاصی را تدوین کرده است که از جمله آن دستور اخلاقی برگرفته از آیه ۱۲ سوره حجرات است که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است، و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید، و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است»

که در آن خداوند متعال توجه خاصی به حریم شخصی افراد نموده و امر تجسس را با نهی آن مذموم شمرده است. در این راستا به معرفی این رذیله اخلاقی که ناشی از عواملی چون عدم تقوا، و حب به امر به معروف می‌باشد، پرداخته شد و پیامدهای بدی به دنبال دارد از قبیل ایجاد تنفر، و دخالت در تصمیم‌گیری افراد که باید با توجه به امور خود، کسب تقوا، توبه از آن دوری جست که نتیجه آن حفظ حریم شخصی افراد و تضمین امنیت آنان می‌شود. لذا این مقاله بر آن است تا بیان نماید از دیدگاه قرآن، حد تجسس و دخالت و راه برون رفت از آن چیست و از کجا نشأت می‌گیرد و چه پیامدهایی دارد و چگونه می‌توان به فرد آموخت که زندگی فردی افراد مربوط به خودشان است مگر در مواقع ضروری که نیاز به اظهار نظر باشد، آن هم به گونه‌ای که کینه و کدورتی پیش نیاید.

مفهوم شناسی

روش

روش اسم مصدر «روشن» و به این معانی آمده است: ۱- طرز انجام دادن کاری؛ شیوه. ۲- حرکت کردن؛ رفتن. ۳- (تصوف) سلوک (عمید، فرهنگ عمید، ذیل واژه روش). «روش» به خط مشی مشخص و منظم و انجام دادن کاری برای دستیابی به مقصد است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۴) و در اصطلاح علوم، به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری گفته می‌شود که برای کشف و شناخت حقیقت و دوری از لغزش به کار برده می‌شود (فراهانی، ۱۳۷۹: ۱).

تربیت

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنی زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۵/ ۱۲۶). «تربیت» در مفهوم اصطلاحی خود، یعنی فراهم نمودن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعداد‌های شخصی انسان در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌های منسجم (سادات، ۱۳۶۸ش: ۲۱؛ مصباح یزدی، ش ۴۹۲، بی تا) و یا گفته شده: «تربیت» عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷ش: ۲۵).

تجسس

از ماده «جس» در لغت به معنای شناسایی کردن به صورت پنهان و ظریف که در اصطلاحات قرآن به معنای کسب اطلاعات از رذایل اخلاقی می‌باشد که باعث اختلاف و گسستن برادری ایمانی می‌شود و از موانع آن تقوای الهی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۷/ ۴۱۲) داخل شدن در امری یا در کار کسی (عمید، ۱۳۶۳ ش: ۱/ ۵۴۱).

تحسس

بعضی از اهل لغت، تجسس را مترادف تحسس (با حاء) دانسته‌اند، با این تفاوت که اولی در مواردی استعمال می‌شود که نیت بد و شری در کار باشد و دومی در جایی که نیت خیر و نیکی باشد. تحسس آگاهی جستن از ظواهر امور به واسطه حواس ظاهری است و اینکه بیش‌تر در امور خیر به کار می‌رود. تحسس جست‌وجو برای دیگری است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۱۲).

پیشینه تحقیق

از بررسی کتاب‌ها و پژوهش‌های مختلف، این نتیجه حاصل شد که بعضی از نویسندگان در بخش-هایی از تألیفات خود، به صورت پراکنده اشارات شایسته‌ای به موضوع فوق داشته‌اند از جمله آقای اسحاقی در کتاب «زندگی در سایه‌سار فرهنگ»، ۱۳۹۱ ش؛ آقای علی اکبری بابوکانی در مقاله «تجسس در ازدواج»، ۱۳۹۰ش، که هر کدام به نحوی به این موضوع پرداخته‌اند اما آنچه این تحقیق را از دیگر مکتوبات متمایز می‌کند جمع‌بندی روش‌مند و منسجم آن در راستای موضوع می‌باشد. از این رو سعی نگارنده بر این است که با بهره‌گیری از رهنمودهای قرآنی موجبات آسایش فردی را فراهم نماید.

تجسس در قرآن و روایات

﴿وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا﴾ (حجرات/۱۲)

«و در کار دیگران تجسس نکنید و کسی از شما غیبت دیگری نکند»

«وَلَا تَجَسَّسُوا» - کلمه «تجسس» به معنای پیگیری و تفحص از امور مردم است، اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو آن‌ها را پیگیری کنی تا خبردار شوی (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۱۸/۳۲۳). خداوند در این آیه صریحاً می‌فرماید: لَا تَجَسَّسُوا یعنی تمام تجسس را منع نموده، و از آنجا که هیچ‌گونه قید و شرطی برای آن قائل نشده نشان می‌دهد که جست‌وجوگری در کار دیگران و تلاش برای افشای اسرار آن‌ها گناه است، ولی البته قرائنی که در داخل و خارج آیه است نشان می‌دهد که این حکم مربوط به زندگی شخصی و خصوصی افراد است، و در زندگی اجتماعی تا آنجا که تأثیری در سرنوشت جامعه نداشته باشد نیز این حکم صادق است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش: ۲۲/۱۸۷). در حقیقت جست‌وجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازها و احیاناً عیوب نهانی مردم، و اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی افراد فاش شود. به تعبیر دیگر اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. بدیهی است اگر اجازه داده شود هر کس به جست‌وجوگری درباره دیگران برخیزد حیثیت و آبروی مردم بر باد می‌رود؛ و جهنمی به وجود می‌آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود. به این ترتیب تجسس موجب افشای عیوب پنهانی و آگاهی بر این امور سبب غیبت می‌شود که اسلام از معلول و علت هر دو نهی کرده است (گروسی، ۱۳۸۷ش: ۱۶۰).

کسی که در مقام تجسس و در صدد کشف اسرار نهانی مردم بر می‌آید. در واقع می‌خواهد اطلاعات او درباره عیوب مردم به یقین برسد که بسیار زشت است. از اموری که از شما نهان داشته شده است تجسس نکنید که باعث می‌شود امور زیادی از شما نهان داشته شود (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۴ش: ۳۸۹). در روایت هم به آن پرداخته شده که از باب نمونه به چند مورد اشاره می‌شود؛

روایت اول: /مأم صادق(ع) می‌فرمایند: لغزش‌های مؤمن را تفتیش نکنید پس هر که چنین کند خدا اسرار او را فاش می‌کند و هر که را خدا تجسس کند او را مفتضح کرده است ولو در پستوی خانه- اش باشد (کافی، ۱۳۶۲ش: ۲/۳۵۵).

روایت دوم: رسول خدا(ص) فرمودند: گوش دادن به مکالمات شخصی افراد به عنوان مصداقی از تجسس منع شده است: «کسی که به سخن و مکالمات افراد گوش می‌کند در حالی که آن‌ها کراهت دارند کسی به گفته آن‌ها گوش دهد، روز قیامت در گوش او سرب گداخته ریخته می‌شود» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۵/۹۳).

روایت سوم: رسول گرامی اسلام(ص) هم در حدیثی فرموده است: من فرمان نیافته‌ام که دل‌های مردم را سوراخ کنم یا شکم‌هایشان را بشکافم (یعنی کار من تفتیش و تجسس نیست) (متقی هندی، ۱۴۰۱ق: حدیث ۸۸۲۷).

بررسی مهم‌ترین عوامل بروز تجسس و دخالت

تجسس همانند دیگر صفات و رذیله‌های اخلاقی در سرشت پاک آدمی وجود ندارد، و به خاطر عواملی که خود افراد به آن توجه ندارند در نهاد آدمی رشد می‌کند و ابتدا در زندگی خود فرد و بعد هم دیگران خللی وارد می‌کند که از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- علاقه و وابستگی

علاقه و وابستگی شدید والدین به فرزندان خود و نیز احساس بزرگی و سرپرستی آنان با ازدواج فرزندان نیز ادامه می‌یابد و گاه در دسرساز می‌شود. پدر و مادر فکر می‌کنند که فرزندان هنوز بچه هستند و باید مطابق میل آن‌ها زندگی کرد و این‌ها یعنی ممانعت از استقلال خانواده جدید و دخالت در زندگی جوان (الهامی نیا، ۱۳۹۰ش: ۹۹). خداوند در آیه ۱۴ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاقِ﴾

«محبت مشتهیات (دنیا) از زنان و فرزندان و اموال انبوه فراوان از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشت و زرع، برای مردم مزین و آراسته شده است، حال آنکه این‌ها وسیله برخورداری زندگی دنیاست، و خداست که بازگشت نیکو نزد اوست»

آنچه در تفسیر آیه صحیح به نظر می‌رسد این است که زینت دهنده خداوند است از طریق دستگاه آفرینش و نهاد و خلقت آدمی؛ زیرا خدا است که عشق به فرزندان و مال و ثروت را در نهاد آدمی ایجاد کرده تا او را آزمایش کند و در مسیر تکامل و تربیت پیش برد همانطور که قرآن در ذیل آیه ۷ سوره کهف می‌فرماید:

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾

«ما آنچه را در روی زمین هست زینت برای آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدام یک عملشان بهتر است»

یعنی از این عشق و علاقه تنها در مسیر خوشبختی و سازندگی بهره گیرند نه در مسیر فساد و ویرانگری. ذکر این نکته نیز لازم است که آیه مورد بحث و سایر آیات مشابه آن هیچ‌گاه علاقه معتدل نسبت به زن و فرزندان و اموال و ثروت را نکوهش نمی‌کند، زیرا پیشبرد اهداف معنوی بدون وسایل مادی ممکن نیست به علاوه قانون شریعت هرگز بر ضد قانون خلقت و آفرینش نمی‌تواند باشد، آنچه مورد نکوهش است عشق و علاقه افراطی و به عبارت دیگر «پرستش» این موضوعات است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش: ۲۱/۴۵۷-۴۵۸). علاقه طبیعی به مادیات، در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت‌ها و جلوه‌های آن و عدم کنترل دلبستگی‌هاست. جلوه دنیا برای مردم عادی است، نه افراد فرزانه. چنانکه در نظر همسر فرعون که فرزانه تاریخ است، کاخ و طلای او بی‌ارزش است. ﴿نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ﴾ (کهف/۴۶) علاقه بیش از حد به زن و فرزند، بیش از

هر چیز مایه دل‌بستگی انسان به دنیا می‌گردد. مراقب باشیم که زینت‌ها و جلوه‌های دنیا، مقدمه غفلت از آخرت است. یکی از عوامل بد عاقبت شدن، شیفتگی و دل‌بستگی به دنیا است. زیرا عاقبت نیکو تنها نزد خداست. یکی از شیوه‌های تربیتی، تحقیر مادیات و بیان عظمت معنویات است. بهترین راه برای کنترل علائق مخرب، مقایسه آن با الطاف جاودانه الهی است (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۱/۴۷-۴۸). در تفسیر «روح المعانی» آمده است که گاهی اوقات حب نهدی از منکر انسان را به تجسس و می‌دارد. همانطور که عمر بن خطاب به زعم خود نهدی از منکر می‌کرد ولی در واقع به کشف حال مردم علاقه داشت؛ در شبی از خانه‌ای آوازی به گوشش رسید که از دیوار خانه بالا رفت و دید ساقی و ساغر جمع‌اند. عمر به صاحبخانه گفت: ای دشمن خدا تو گمان کردی خدا گناهت را می‌پوشاند. آن مرد گفت: من یک گناه کردم تو چند گناه؛ چون خداوند فرموده: لا تجسسوا (حجرات/ ۱۲) و أتوا بیوت من ابوابها (بقره/ ۱۸۹) (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۳/ ۳۰۹؛ بهرام‌پور، ۱۳۷۸ش: ۶۲).

۲- امر به معروف و نهی از منکر

ممکن است تجسس به خاطر امر به معروف و نهی از منکر انجام پذیرد؛ در این مورد هم جایز دانسته نشده است مگر اینکه حالت استثنایی رخ دهد. یکی از وظایف نظام اسلامی جلوگیری از واقع شدن آشکار منکرات می‌باشد. در صدر اسلام پیامبر (ص) و در زمان ائمه معصومین (ع)، این بزرگواران به این مهم می‌پرداختند. امروزه در جامعه اسلامی ارگان‌های خاصی هستند که وظیفه دارند با ترک معروف و انجام منکر مقابله کنند. البته کسی که در چنین منصبی قرار می‌گیرد حق ندارد در امور پنهان مردم تجسس کند و اسرار مخفی آنان را آشکار سازد.

ضعف ایمان و عدم تقوا یعنی عدم نیروی نجات از لغزش‌های اخلاقی. از آثار تقوا بهره‌برداری از موعظه قرآن می‌باشد که یکی از آن‌ها «و لا تجسسوا» می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ش: ۳۴). انسان بر اثر ضعف ایمان، از وعده الهی در قرآن متأثر نمی‌شود پس در صورت نداشتن تقوا، توجه به دستورات قرآنی کم می‌شود و شخص به جای عمل به دستورات دینی به کارهای بیهوده‌ای از قبیل تفتیش امور دیگران می‌پردازد. اساسی‌ترین روش‌هایی که نقش مهمی در سالم‌سازی محیط و زنده کردن خوبی‌ها و از بین بردن بدی‌ها و طرد آلودگی‌ها و امور ناپسند از محیط جامعه ایفا می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر است؛ امر به معروف موجب رشد جامعه می‌گردد و اجتماع را به سوی کمالات سوق می‌دهد و نهی از منکر جامعه را از سقوط در مهلکه آلودگی‌ها و گمراهی‌ها نجات می‌دهد؛ بدین ترتیب صلاح و فلاح یک جامعه از طریق این دو فریضه الهی تأمین خواهد شد. قرآن مجید افرادی را که نسبت به آلودگی‌ها و فساد جامعه خود بی‌اعتنا هستند و هیچ عکس‌العملی نسبت به اعمال زشت دیگران از خود بروز نمی‌دهند، ملعون و مطرود انبیا خوانده است. آنجا که می‌فرماید: «آن‌ها که از بنی اسرائیل کافر شدند، بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند. این به خاطر آن بود که گناه می‌کردند و تجاوز می‌نمودند، و از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند (ایازی، ۱۳۷۵ش: ۴۲). گاهی

بیان حقایق و وظائف الهی بدون احتمال تأثیر نیز واجب می‌شود و آن در موردی است که اگر حکم خدا گفته نشود و از گناه انتقاد نگردد کم کم به دست فراموشی سپرده می‌شود و بدعت‌ها جان می‌گیرند و سکوت دلیل بر رضایت و موافقت محسوب می‌شود، در این گونه موارد لازم است حکم پروردگار آشکارا همه جا گفته شود هرچند اثری در گنهکاران نگذارد. این نکته نیز شایان توجه است که نهی‌کنندگان می‌گفتند: می‌خواهیم در پیشگاه «پروردگارتان» معذور باشیم، گویا اشاره به این است که شما هم در پیشگاه خدا مسئولیت دارید و این وظیفه تنها وظیفه ما نیست، وظیفه شما نیز می‌باشد (ناصر مکارم شیرازی با همکاری، ۱۳۷۱ش: ۱۶ / ۴۲۰-۴۲۲) و در اینکه گفتند: «نزد پروردگارتان» و نگفتند «نزد پروردگاران» اشاره است به اینکه نهی از منکر به ما اختصاص ندارد، شما هم که سکوت کرده‌اید مسئول‌اید، و باید این سکوت را شکسته و این قوم را نصیحت کنید، برای اینکه اعتذار به سوی پروردگار به خاطر مقام ربوبیتش بر هر کسی واجب است، و همه مربوبین این پروردگار باید ذمه خود را از تکالیفی که به ایشان شده و وظائفی که به آنان محول گشته فارغ سازند، همانطور که ما مربوب این رب هستیم شما نیز هستید، پس آنچه که بر ما واجب است بر شما نیز واجب است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۸ / ۳۸۴-۳۸۵).

۳- حسادت و عداوت

حسادت چیزی است که از سوی همگان زشت و ناپسند شمرده می‌شود؛ و حتی کسانی که خود هر از گاهی دچار این حالت می‌شوند حسادت دیگری به خود یا دیگران را ناپسند و دور از اصول اخلاقی می‌شمارند. این حالت در برخی به شکل حال و در دیگری به شکل مقام ظاهر می‌شود. به این معنا که برخی از انسان‌ها در یک فرآیند زمانی به علت عدم چیرگی بر نفس اماره خویش به بیماری حسادت دچار می‌شوند و توان مقابله روحی و روانی با آن را ندارند و این حالت در آنان مقیم می‌شود. عده‌ای دیگر هم به جهاتی ممکن است دچار حسادت شوند اما مهار و کنترل نفس اماره موجب می‌شود تا به شکل بیماری و مقام در آنان درنیاید؛ حسد حالتی نفسانی است که صاحب آن آرزوی سلب کمال از دیگری را دارد (محدثی، ۱۳۷۱ش: ۵۸). پس در این راستا تلاش می‌کند تا با جست‌وجوی کمالات افراد در زندگیشان آرزوی زوال آن را داشته باشد. در تحلیل قرآنی، حسودان بدترین مخلوقات و آفریده‌های خداوندی هستند. به ویژه کسانی که حسادت در ایشان به شکل مقام و صفت درآمده و در شکل اقدام عملی بروز و ظهور می‌یابد. از این رو از مردمان خواسته شده که از چنین موجودات و افرادی که شرارت حسادت جزو ذات و صفت دوم ایشان شده است به خدا پناه برند که رفتارهای زشت آنان را جز خداوند نمی‌تواند دفع کند. به خاطر نهان بودن شر حسادت است که خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که برای رهایی از آسیب‌ها و خطرهای آن به خدا پناه برد که تنها او عالم به دل‌ها و اسرار مردمان است و می‌تواند شر ایشان را به خودشان بازگرداند؛ چنانچه فرمایش خداوند در سوره نساء است که می‌فرماید:

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ (نساء / ۵۴)

«با اینکه به مردم (پیامبر و خاندانش) در برابر آنچه خدا از فضلش به آنها بخشیده، حسد می‌ورزند (چرا حسد می‌ورزند) با اینکه به آل ابراهیم (که یهود از خاندان او هستند) کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم»

از نظر معنوی حسد نشانه کمبود شخصیت و نادانی و کوتاه فکری و ضعف و نقص ایمان است، زیرا حسود در واقع خود را ناتوان‌تر از آن می‌بیند که به مقام محسود و بالاتر از آن برسد و لذا سعی می‌کند محسود را به عقب برگرداند، به علاوه او عملاً به حکمت خداوند که بخشنده اصلی این نعمت‌ها است معترض است و نسبت به اعطای نعمت به افراد از طرف خداوند ایراد دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ۳ / ۴۲۴). علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «حسد تدریجاً ایمان را می‌خورد همانطور که آتش هیزم را تدریجاً از بین می‌برد (نهج البلاغه، خطبه ۸۶) یا انگیزه بسیاری از خلافاکاری‌های بنی اسرائیل مسأله «حسد» بود، و خداوند در آیات الهی به آنها گوشزد می‌کند که سرانجام حسد چگونه ناگوار و مرگ‌بار می‌باشد که حتی به خاطر آن برادر دست به خون برادر خود می‌آید! شاهد مثال هم فرمایش خداوند در سوره مائده است که خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِذْ أَخْبَرْنَا بَنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ آخَرِهِمْ وَاسْتَأْذَنُوا فَحَرَّوْاْ لَهَا فَذَلِكُمُ الَّذِي مَنَعْنَا آدَمَ أَن يَنْزِعَ مِنَ الْجَنَّةِ أَهْلُهَا بِإِذْنِنَا إِنَّهُمُ شَكَرُواْ وَكَانَ قَوْلُكَ لِلنَّاسِ فِي ذَٰلِكَ لَعْنَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (مائده / ۲۷)

«داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان، هنگامی که هر کدام عملی برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد (برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر) گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت (برادر دیگر) گفت (من چه گناهی دارم زیرا) خدا تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد»

از زمان آغاز زندگی بشریت، بین حق و باطل، نزاع و درگیری بوده است. نفس اماره در آدمی با تزویر و آراستگی و تلقین و وسوسه، انسان را فریب می‌دهد و او را به سوی گناه و زشتی سوق می‌دهد؛ در این صورت است که پیروی از هوای نفس، جز خسارت و زیانکاری ارمغان دیگری ندارد. کفران نعمت خداوند آثاری را به دنبال دارد که یکی از آنها می‌تواند حسد و بدخواهی باشد که نشان از گمراهی باطنی و تاریکی بصیرت و اندیشه آدمی است؛ این کفران نعمت و کوردلی ریشه در حسادت آدمی دارد به طوری که قابیل، فرزند آدم را به هلاکتی انداخت که نمی‌توانست از آن رهایی یابد.

پیامد و آثار تجسس و دخالت در زندگی

تجسس و جستار چون ممکن است به بر ملا شدن زندگی شخصی افراد بینجامد در حالی که خداوند خواهان حفظ آبروی مؤمن می‌باشد. ممکن است غیبت شود که به منزله خوردن گوشت آن-هاست. باعث بی‌تقوایی می‌شود و موجب می‌شود که نسبت به آنها تنفر پیدا شود، برای همین ممنوع است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ش: ۱۷ / ۴۸۰). ذکر عیوب پنهانی با هر نیتی که عامل دامن زدن به

آتش کینه می‌شود و تأثیر مخربی در وحدت افراد دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ۱۷۸/۲۲).

۱- بر ملا شدن زندگی شخصی افراد

بعضی از رازهای زندگی مردم به وسیله دیگران کشف می‌شوند؛ یعنی با سرک کشیدن به زندگی مردم رازهایی برای‌شان بر ملا می‌شود که احتمال می‌رود آن شخص دوست ندارد دیگران از وجود آن اسرار باخبر شوند. مخصوصاً اگر آن راز، یک عیب و صفت ناخوشایند باشد که ظاهرشدنش موضوع ناراحت کننده‌ای است. گناه افشای زشتی‌ها، کم از انجام دادن آن‌ها نیست چون بدی‌ها با آشکار شدن - شان تکثیر می‌شوند. پس در تجسس، امور شخصی دیگران نه تنها برای تجسس کننده بلکه برای دیگران هم آشکار می‌شود که از نظر اسلام هر دو ناپسند است. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ بَحَثَ عَنْ اسْرَارِ غَيْرِهِ أَظْهَرَ اللَّهُ اسْرَارَهُ»: «کسی که از اسرار دیگران تفتیش کند، خداوند اسرار او را بر ملا می‌سازد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ۳ / ۳۵۰). در آیات قرآن تعبیراتی دیده می‌شود که (نه به دلالت صریح بلکه به دلالت التزامی) از فضیلت رازداری و زشتی افشاء سرّ خبر می‌دهد، از جمله در سوره توبه می‌خوانیم:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (توبه/۱۶)

«آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که هنوز آن‌ها که از شما جهاد کردند و غیر از خدا و رسولش را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند (از دیگران) مشخص نشده‌اند (باید آزمون شوید و صفوف از هم جدا شود) و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است»

«وليجة» از ماده «ولوج» به معنی «دخول» است، و به کسی گفته می‌شود که محرم اسرار و گرداننده کارهای انسان می‌باشد، و معنی آن تقریباً با معنی «بطانة» یکسان است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ۷ / ۳۱۱). از آنجایی که خداوند از وضع مردم آگاه است و نیازی به آزمودن ندارد، ولی امتحان، یک سنت الهی است؛ وظیفه مسلمانان، در برابر دشمنان خارجی جنگیدن و در برابر دشمنان داخلی، حفظ اسرار و رازداری است؛ دادن اسرار و اطلاعات به بیگانگان و آنان را محرم اسرار دانستن، حرام و نشانه ضعف و بی‌ایمانی و مورد هشدار و توبیخ است (قرآنی، ۱۳۸۸ ش: ۳ / ۳۹۱). این آیه می‌فرماید مسلمانان اسرار خود را به کسانی بگویند که مطمئن به حفظ آن باشند نه به افراد نامطمئنی که افشاء سرّ می‌کنند. مفهوم این سخن آن است که رازداری فضیلت است و افشاء سرّ از رذائل محسوب می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ۲۴ / ۲۷۱). در سوره آل عمران نیز آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾ (آل عمران/ ۱۱۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید محرم اسراری از غیر خودتان انتخاب نکنید، آن‌ها از هرگونه شرّ و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند»

«بطانة» در لغت به معنی لباس زیرین است، و مقابل آن «ظهاره» به معنی لباس روئین می‌باشد. در اینجا کنایه از «محرم اسرار» است و «خبال» در اصل به معنی از بین رفتن چیزی است، غالباً به زبان‌هایی که در عقل انسان اثر می‌گذارد، گفته می‌شود. در این آیه خداوند همه مؤمنان را مخاطب ساخته و با فرمان دادن اینکه غیر مسلمانان (مخلص و مؤمن) را محرم سرّ خود ندانید در واقع اشاره‌ای به لزوم حفظ اسرار و نکوهش از افشاء سرّ دارد. منتها این آیه و آیه قبل، ناظر به اسرار شخصی نیست بلکه نظر به اسرار جامعه اسلامی دارد که افشای آن ضربه‌ای به مسلمین وارد می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش: ۳/۶۶). در احادیث اسلامی درباره رازداری و ترک افشای سرّ تعبیرات گوناگونی دیده می‌شود که نشان دهنده اهتمام اسلام به این موضوع است تا آنجا که اسرار دیگران به منزله امانت‌های آن‌ها شمرده شده و افشای سرّ به عنوان خیانت در امانت است. در حدیثی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «هنگامی که شخصی سخنی با دیگری می‌گوید سپس به اطراف خود نگاه می‌کند (که دیگری آن را نشنود) آن به منزله امانت است (افشای این سرّ، همچون خیانت در امانت است) (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق: ۵/۲۳۷). در نتیجه تمام روایاتی که در نکوهش خیانت آمده شامل آن هم می‌شود.

۲- مصداق بارز لغو و بیهوده گویی

در حالی که قرآن کریم در آیه ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون/ ۳) دومین صفتی را که بعد از صفت خشوع در نماز برای مؤمنان بیان می‌کند این است که: «و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی گردانند. در واقع تمام حرکات و خطوط زندگی آنان هدفی را دنبال می‌کند، هدفی مفید و سازنده (بابایی، ۱۳۸۲ش: ۳/۲۴۱) چراکه کارهای لغو در نظر دین، آن اعمال مباح و حلالی است که صاحبش در آخرت و یا در دنیا از آن سودی نبرد و سرانجام آن، منتهی به سود آخرت نگردد مانند خوردن و آشامیدن به انگیزه شهوت در غذا که لغو است، چون غرض از خوردن و نوشیدن گرفتن نیرو برای اطاعت و عبادت خدا است. بنابراین اگر فعل هیچ سودی برای آخرت نداشته باشد، و سود دنیایی‌اش هم سرانجام منتهی به آخرت نشود، چنین فعلی لغو است و به نظری دقیق‌تر، «لغو» عبارت است از غیر واجب و غیر مستحب (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۹/۱۵). در روایتی داریم رسول الله (ص) می‌فرماید: «نشانه فهمیدگی مرد، این است که کم‌تر سخن بیهوده می‌گوید» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹ش: ۵۶/۱۰). گمان بد نه تنها به طرف مقابل و حیثیت او لطمه وارد می‌کند، بلکه برای صاحب آن نیز بلائی است بزرگ زیرا سبب می‌شود که او را از همکاری با مردم و تعاون اجتماعی برکنار کند، و دنیایی وحشتناک آکنده از غربت و انزوا فراهم سازد، چنانکه در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) آمده است: «کسی که گمان بد داشته باشد از همه کس می‌ترسد و وحشت دارد» (خوانساری، ۱۳۶۰ش: ۶۹۷).

طریق درمان

همه مفسد اخلاقی به خاطر نافرمانی از دستورات الهی رخ می‌دهد که باید به دنبال راه علاج آن بود تا از این صفات ناپسند در امان بود. در اینجا که به برخی از راه‌های درمان این صفت مذمت شده معرفی گردیده اشاره می‌شود که عبارت‌اند از:

۱- کسب تقوا

اندیشه درست در تمییز حق از باطل، پرهیزکاری و داشتن تقوای الهی است. حرکت کردن در مسیر زندگی با چراغ تقوا، موجب گمراهی آدمی از فرمایشات و دستورات الهی نمی‌گردد. وقتی که خداوند در قرآن می‌فرماید: «لا تجسسوا»، انسان متقی آن را با تمام وجود درک می‌کند و می‌فهمد که در این فرمایش خداوند، نهی و بازداشتنی نهفته است. تمام کارهای انسان پرهیزکار باید همراه با نیت الهی و قربه الی الله باشد، تا اعمالش و مسیرش برای خدا باشد و بتواند به مسمای انسان متقی دست یابد؛ در حالی که «تجسس» به هیچ عنوان رضایتمندی باری تعالی را به دنبال ندارد. در تفسیر نمونه آمده است که: انسان متقی کسی است که نسبت به هرگونه پلیدی عقلانی و عقلایی و شرعی، واکنش منفی نشان می‌دهد و به خود اجازه نمی‌دهد تا آن را مرتکب شود. ولی اگر از خود غافل شود و به امور دیگری پردازد تقوا را از دست داده که چنین صفت رذیله‌ای را با خود حمل می‌کند. حق تعالی در سوره نساء می‌فرماید:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يُتَّقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَظِيمِ الْعُيُوطِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (نساء/۱۳۳-۱۳۴)

«و بر یکدیگر سبقت بجوئید برای رسیدن به آمرزش پروردگار خود و بهشتی که وسعت آن آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است. همان‌ها که در وسعت و پریشانی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

«سارعوا» از «مسارعت» به معنی کوشش و تلاش دو یا چند نفر برای پیشی گرفتن از یکدیگر در رسیدن به یک هدف است، و در کارهای نیک، قابل ستایش، و در کارهای بد، نکوهیده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش: ۳/ ۹۱). کلمه «سراء» به معنای آن پیشامدی است که مایه مسرت آدمی باشد، و کلمه «ضراء» بر خلاف آن به معنای هر چیزی است که مایه بدحالی انسان شود، البته ممکن است این دو کلمه را به معنای دو کلمه یسر و عسر یعنی آسانی و دشواری نیز گرفت، و کلمه «کظم» در اصل به معنای بستن سر مشک بعد از پرکردن آن بوده ولی بعدها به عنوان استعاره در مورد انسانی استعمال شد که پر از اندوه و خشم باشد لیکن مصمم است که خشم خود را ابراز ننماید، و کلمه «غیظ» به معنای هیجان طبع برای انتقام در اثر مشاهده پی در پی ناملازمات است، به خلاف غضب که به معنای اراده انتقام و یا مجازات است، و به همین جهت است که گفته می‌شود: خدای

تعالی غضب می‌کند، ولی گفته نمی‌شود خدای تعالی غیظ می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۴/ ۲۰). بنابراین تقوا یعنی همیشه حاضر در صحنه عمل بودن و این عمل را با احسان و نیکوکاری همراه کردن می‌باشد. انسان‌های متقی، بنده امیال و غرایز خود نیستند؛ بلکه آنان همواره مولی و مالک خود و غرایز خویش هستند.

۲- پی بردن به عواقب کار

از پیامدهای ناگوار و زیان‌بار جست‌وجوگری در احوال خصوصی مردم، این است که شخص بی‌پروا و کنجکاو، دوستان خود را از دست می‌دهد؛ زیرا هیچ دوستی نمی‌پسندد که دیگری در حریم خصوصی- اش، تفتیش کند و به ویژه در پی عقیده‌های پنهانی او باشد. به خاطر دخالت و اظهار نظر بیهوده که به دنبال تجسس به وجود می‌آید، وقتی کسی تجسس را شروع می‌کند حتماً بعد از به دست آوردن مقاصد خود، اعمال نظر خواهد کرد که برای فرد مقابل خوشایند نخواهد بود و موجب ایجاد تنفر در او خواهد گردید. لذا در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام (ص) می‌خوانیم: «سه چیز است که وجود آن در مؤمن پسندیده نیست، و راه فرار دارد، از جمله سوء ظن است که راه فرارش این است که به آن جامه عمل نپوشاند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق: ۵/ ۲۶۹).

۳- توبه

شخص گنهکار بیمار است و توبه منزل سلامت اوست و رسیدن به این منزل، محتاج خودداری از گناه و التزام به طاعات است. چنانکه در درمان بیماری نیازمند دارو و پرهیز است، برای درمان بیماری یا گناه تجسس باید امیال و خواسته‌های نفسانی (توجه به امور شخصی دیگران) را کنار گذاشت (جباران، ۱۳۸۹ش: ۲/ ۲۰۲).

طبق فرمایش خداوند در سوره نساء، می‌توان با توبه کردن و کسب تقوا، این ردیله اخلاقی را دور ساخت:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (نساء/ ۱۳۵)

«و آن‌ها که هنگامی که مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند- و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد- و اصرار بر گناه نمی‌کنند با اینکه می‌دانند»

«فاحشه» از ماده فحش و فحشاء به معنی هر عمل بسیار زشت است و انحصار به اعمال منافی عفت ندارد زیرا در اصل به معنی «تجاوز از حد» است که هر گناهی را شامل می‌شود. در آیه فوق اشاره به یکی دیگر از صفات پرهیزکاران شده که اگر مرتکب گناهی شوند به زودی به یاد خدا می‌افتند و توبه می‌کنند و هیچ گاه اصرار بر گناه نمی‌ورزند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش: ۳/ ۹۹).

زمانی که انسان بر انجام گناه عادت داشته باشد و سعی در اصرار آن داشته باشد در واقع آن گناه در نهان‌خانه دل او نهادینه می‌گردد و آدمی به آن گناه خو گرفته و موجب آرامش کاذب او می‌گردد، به طوری که فرد گنهکار زشتی کار خود را نمی‌بیند و زمانی که زشتی عمل معلوم نباشد پشیمانی و بازگشت و توبه هم به دنبال نخواهد داشت؛ انسان‌ها در مقابل گناه سه دسته هستند: ۱- گروهی که از گناه دوری می‌کنند و به دنبال آن نیستند. ۲- کسانی که وقتی مرتکب گناه می‌شوند حالت پشیمانی به آن‌ها دست می‌دهد و سریع خود را نهیب زده و رو به سوی درگاه الهی می‌آورند. ۳- اما دسته سوم کسانی هستند که به هیچ وجه، زشتی گناه به خاطر عادت و خو گرفتن به آن برای‌شان آشکار نیست تا به دنبال دوری از گناه یا توبه باشند و همچنان اصرار و تأکید در انجام معصیت دارند.

بهشت برین طبق فرمایش خداوند در کتاب آسمانی‌اش جایگاه این دسته از انسان‌ها نیست. البته ناگفته نماند که زمانی چنین حالتی به سراغ آدمی می‌آید که گوش به فرمان و سوسه‌های شیاطین داده و ظواهر دنیا او را فریفته و موجب گشته تا آدمی از تفکر و اندیشه به عاقبت امور خویش غافل باشد.

موارد استثنا

با توجه به دستور اسلام همانطور که در قرآن ذکر شده است تجسس و دخالت امری ناپسند است اما از طرفی گاهی اوقات مسائل مهم‌تری روبه‌روی ما قرار می‌گیرد که جز با جست‌وجو در امور شخصی افراد نمی‌توان به آن پرداخت. لذا به این نوع جست‌وجو تجسس نمی‌گویند بلکه تجسس می‌نامند (تجسس در امور نامطلوب و تجسس در امور خیر به کار می‌رود) و آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- در امور اجتماعی و حکومتی

اصل کلی از نظر اسلام و قانون اساسی بر عدم جواز تحقیق و تفحص در امور شخصی و مسائل پنهانی افراد جامعه است. با این حال از بررسی مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که قرآن با صراحت تمام تجسس را در آیه فوق منع نموده است، و از آنجا که هیچ‌گونه قید و شرطی برای آن قائل نشده نشان می‌دهد که این حکم مربوط به زندگی شخصی و خصوصی افراد است، و در زندگی اجتماعی تا آنجا که تأثیری در سرنوشت جامعه نداشته باشد نیز این حکم صادق است. پس روشن است آنجا که ارتباطی با سرنوشت دیگران و کیان جامعه پیدا می‌کند مسأله شکل دیگری به خود می‌گیرد، لذا شخص پیامبر(ص) مأمورانی برای جمع‌آوری اطلاعات قرار داده بود که از آن‌ها به عنوان عیون تعبیر می‌شود، تا آنچه را ارتباط با سرنوشت جامعه اسلامی داشت برای او گردآوری کنند؛ و نیز به همین دلیل حکومت اسلامی می‌تواند مأموران اطلاعاتی داشته باشد، یا سازمان گسترده‌ای برای گردآوری اطلاعات تأسیس کند، و آنجا که بیم توطئه بر ضد جامعه، و یا به خطر انداختن امنیت و حکومت می‌رود به تجسس برخیزند، و حتی در داخل زندگی خصوصی افراد جست‌وجوگری کنند. ولی این امر هرگز نباید بهانه‌ای برای شکستن حرمت این قانون اصیل اسلامی شود، و افرادی به بهانه مسأله توطئه و اخلال به امنیت به خود اجازه دهند که به زندگی خصوصی افراد یورش برند، نامه‌های آن‌ها را

باز کنند، تلفن‌ها را کنترل نمایند و وقت و بی وقت به خانه آن‌ها هجوم آورند. خلاصه اینکه مرز میان تجسس و بدست آوردن اطلاعات لازم برای حفظ امنیت جامعه بسیار دقیق است، و مسئولین اداره امور اجتماع باید دقیقاً مراقب این مرز باشند، تا هم حرمت اسرار انسان‌ها حفظ شود، و هم امنیت جامعه و حکومت اسلامی به خطر نیفتد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش: ۲۲/۱۸۷).

۲- در امر ازدواج

حکم به حرمت تجسس در مورد مسأله ازدواج، حکمی ضرری است و ادله حرمت تجسس محکوم دلیل «لا ضرر» می‌باشد، بدین صورت که چون حکم حرمت تجسس در مورد حاضر حکمی ضرری است، لذا قاعده «لا ضرر» بر آن حکومت دارد، و باعث تضییق شمول این حکم به ما عدای موارد ضروری خواهد بود. در اینجا مصلحت فرد در مقام اختیار همسر، اهم نسبت به مصلحت موجود در حرمت حریم اوست و لذا در اینجا باید بر اساس اقوی المصلحتین برای فرد حکم به جواز تجسس نمود، چه آنکه عدم وقوف بر ویژگی‌های خاص اخلاقی و رفتاری و برخی اسرار باعث به هم خوردن ازدواج پس از انعقاد عقد نکاح باشد. در مورد ازدواج روایاتی وارد شده که در آن‌ها دستور داده شده که همسر خود را از افراد خوب و اصیل انتخاب کنید و قبل از انتخاب، از اخلاق و سابقه او پرسش کنید: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَاسٌ»: «برای نطفه‌های خود (بهترین افراد) را انتخاب کنید؛ زیرا اخلاق و خصوصیات افراد با وراثت به اولاد آن‌ها منتقل می‌شود». این حدیث شریف ما را به آثار وراثت متوجه می‌سازد و بیانگر این است که اخلاق خوب و بد و فضایل و رذایل از راه وراثت در اولاد اثر می‌گذارد؛ در این باره روایات زیادی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) به ما رسیده است، صیغه امر در این روایت ظهور در وجوب دارد و لذا مقدمات این امر نیز واجب خواهد بود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها تجسس برای اختیار احسن است، البته این در صورتی است که برای اختیار خوب ناگزیر از تجسس باشید (مقاله اکبری بابوکانی، ۱۳۹۱ش).

نتیجه بحث

انسان اگرچه با کمک نیروی خرد خویش می‌تواند راه درست را در زندگی انتخاب کند؛ اما در وجود انسان میل‌ها و گرایش‌هایی است که بعضی مواقع او را در شناخت حقیقت باز می‌دارد و نیازمند به انتقاد به روش و شیوه صحیح می‌باشد؛ انتقاد حرکتی سازنده و اصلاح‌گرانه به منظور پالایش و زنگارزدایی انجام می‌پذیرد.

اصول قانون اساسی مربوط موضوع تجسس و دخالت مشخص می‌کند که قلمرو محدوده این تحریم فقط اسرار شخصی و خانوادگی است که با مصالح عمومی جامعه هیچ گونه ارتباطی ندارد اما مسائل و اموری که به مصالح عمومی، امنیت، استقلال و منافع ملی و حفظ نظام اسلامی ارتباط دارند به ناچار باید در چهارچوب مقررات ویژه‌ای مورد بازرسی و مراقبت قرار گیرد تا از توطئه‌ها و نیرنگ‌ها و مکر و

طرح‌های شوم افراد، سازمان‌ها و دولت‌های مخمل امنیت آگاهی یابند و اوضاع و احوال حکومت‌ها و ملت‌های بیگانه و قرارها و برنامه‌هایی که بر ضد اسلام و مسلمین دارند را رصد نمایند، و به دلیل اینکه این اطلاعات به راحتی در دسترس نمی‌باشد، لازم است به طرق مختلف به اطلاعات دست یابند. یکی از این طرق اطلاعاتی، تجسس و جاسوسی می‌باشد. از سویی آرامش مردم و احساس امنیت آنان در زندگی خصوصی‌شان، مورد توجه و اهتمام شدید شرع مبین اسلام بوده و بر اساس مبانی فقهی، حفظ حریم مردم و نگهداری اسرار آنان واجب بوده و تفتیش و تجسس از کینه زندگانی درونی و رفتار پنهانی آنان حرام است؛ که با مصالح جامعه هیچ‌گونه ارتباطی ندارد، اما اموری که به مصالح جامعه و حفظ نظام بستگی دارد، ناگزیر باید مورد مراقبت و تفتیش دقیق قرار گیرند. در واقع باید توجه داشت که هرچند در زمینه اسرار شخصی و مسائل خانوادگی اصل بر حرمت تجسس است، اما هنگامی که پای مصالح اجتماعی و حفظ امنیت جامعه به میان می‌آید، از تجسس و تفتیش گریزی نیست، زیرا دولت اسلامی ناگزیر باید از وضع دشمنان خارجی و فعالیت‌های آنان و نیز فعالیت‌های معارضان داخلی اطلاعات کافی کسب کند و به علاوه، بر فعالیت‌های کارگزاران و کارمندان خود نظارت نماید. لذا کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی و همه کسانی که مجوزی برای تجسس دارند، باید حدود و ثغور شرعی، قانونی و اخلاقی تجسس و جاسوسی را بدانند و با دقت به کار بگیرند تا در نظام اسلامی کار خلاف شرع و قانون از کسی سر نزنند.

اینجانب در پایان مراتب قدردانی خود را از حمایت دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل از اعتبار پژوهشی شماره BNUT/۳۷۰۳۹۵/۹۷ اعلام می‌دارم.

کتابنامه

- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. ۱۴۰۸ق، **لسان العرب**، ج ۵، بیروت: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).
- اسحاقی، حسین. ۱۳۹۰ش، **زندگی در سایه سار فرهنگ پویا**، قم: خادم الرضا.
- اکبری بابوکانی، علی احسان. ۱۳۹۱ش، **تجسس در ازدواج راسخون**، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ایازی، سید محمدعلی. ۱۳۷۵ش، **تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات چاپخانه آفتاب.
- آلوسی، سید محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانی**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بابایی، احمد علی. ۱۳۸۲ش، **برگزیده تفسیر نمونه**، چاپ سیزدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- بهرام پور، ابوالفضل. ۱۳۷۸ش، **اخلاق و عرفان**، چاپ چهارم، قم: هجرت.
- جباران، محمد رضا. ۱۳۸۹ش، **درسنامه اخلاق**، چاپ هفتم، قم: هاجر.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰ش، **نشانه‌های پروا پیشگی**، چاپ چهارم، قم: هاجر.
- حرانی، ابن شعبه. ۱۳۸۴ش، **تحف العقول**، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی.
- حویزی، عبد علی بن الجمعه العروسی. ۱۴۱۵ق، **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خوانساری، جمال الدین محمد. ۱۳۶۰ش، **شرح غرر الحکم و درر الکلم**، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۸۷ش، **سیری در تربیت اسلامی**، چاپ دهم، تهران: انتشارات دریا.
- سادات، محمد علی. ۱۳۶۸ش، **اخلاق اسلامی**، تهران: انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۵ش، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۹۰ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، محمد حسین. ۱۳۷۴ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۲ق، **جوامع الجامع فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- عمید، حسن. ۱۳۸۹ش، **فرهنگ عمید**، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- فرهیمینی فراهانی، محسن. ۱۳۸۹ش، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: اسرار دانش.
- فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۷ق، المحجة البيضاء، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، بی جا: دفتر انتشارات اسلامی.
- قرائتی، محسن. ۱۳۷۴ش، تفسیر نور، قم: انتشارات در راه حق.
- قرطبی، محمد بن احمد. ۱۳۶۴ش، تفسیر الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۲ش، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گروسی، امیر. ۱۳۸۷ش، رویکرد آسیب شناسی، گفت‌وگو با عباسعلی شاملی، بی جا: بی نا.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین. ۱۴۰۱ق، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، محقق: بکری حیانی، صفوة السقا، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محدثی، جواد. ۱۳۹۱ش، شرح چهل حدیث امام خمینی (ره)، چاپ سوم، قم: نشر هاجر.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۹ش، میزان الحکمه، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث، سایت کتابخانه احادیث شیعه.
- مصباح یزدی، محمدتقی. بی تا، جزوه تعلیم و تربیت، ش ۴۹۲، جلسه اول، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی و همکاران. ۱۳۹۰ش، تفسیر نمونه، چاپ دوم، قم: نشر هاجر.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، اخلاق در قرآن، چاپ سوم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- نرم افزار جامع الاحادیث ۳/۵ نور [فرهنگ جامع روایات پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)]، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نرم افزار جامع التفاسیر نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. ۱۳۸۶ش، تفسیر راهنما، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. ۱۳۸۶ش، فرهنگ قرآن، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- الهامی نیا، علی اصغر. ۱۳۹۰ش، آیین زندگی، چاپ دوم، قم: زمزم هدایت.

Bibliography

Alousi, Seyyed Mahmoud., 1415 AH, Roh al-Me'ani, Beirut, Dar al-Kabul al-Ma'miya.

- Ibn Manzor, Jamal al-Din Muhammad bin Mekram, 1408 AH, Lissan Al-Arab, 5th, Beirut, Ahlul-Bait Research Institute
- Eshaghi, Hussein, 2011, Life in the Shadow of the Culture of Pooya, Qom, Khadem Al-Reza.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, 1375 AH, the commentary on the interpretation of al-Qur'an, Tehran: Aftab printing press.
- Elhami Nia, Ali Asghar, 2011, Religious Life, Second Edition, Qom, Zamz Hedayat.
- Akbari Babokani, Ali Ehsan, 1391 AD, Investigation into the Rashkhoun Marriage, First Printing, Tehran, Imam Sadiq University.
- Bahrampour, Abolfazl, 1999, Ethics and Mysticism, Fourth Edition, Qom, Hijra.
- Babaei, Ahmad Ali, 1382 AH, Selected Exam Interpreting, Thirteenth Edition, Tehran, Dar al-Kabul Eslamieh.
- Jabaran, Mohammad Reza, 2010, Ethics, Ethnography, Seventh Edition, Qom, Hajar.
- Javadi Amoli, Abdullah, 1390s, Signs of Provenance, Fourth Edition, Qom, Hajar.
- Hawizi, Abdul Ali ibn Al-Juma Al-Ursi, 1415 AH, The Interpretation of the New Testament, Research: Seyyed Hashem Rasouli Mahallati, Fourth Edition, Qom, Ismaili Publications.
- Harandi, Ibn Shuba, 2005, Tehran, Islamic Bookstore Publishing House.
- Khansari, Jamal al-Din Mohammad, 1360s, Describing Ghararhalakhm and Dari Kalam, with Introduction, Correction and Suspension Mir Jalaluddin Hosseini Ermoi, Tehran University Press, Tehran University Press.
- Delshad Tehrani, Mostafa, 2008 AD, Siri in Islamic Education, Tenth Edition, Tehran, Marian Publishing.
- Sadat, Mohammad Ali, 1989, Islamic Ethics, Tehran: Publication.
- Saroukhani, Baqer, 1375 AH, Research Methods in Social Sciences, J 1, Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Tabarsei, Fazl ibn Hasan, 1412 AH, Societies of the Future, Quran, Qom, Qom Seminary, Management Center.
- Tabarsei, Fazl ibn Hasan, 1372 AH, Assembly of Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran, Third Edition, Tehran, Naser Khosrow.
- Tabataba'i, Mohammad Hussein, 1374 AD, Translation by al-Mizan, Translator: Mohammad Baqir Musavi, Qom: The Islamic Bookstore affiliated with the Seminary of the Islamic Seminary.
- Tabatabai, Mohammad Hussein, 1390 AH, al-Mizan, Beirut, Institute for the Study of Literature.

- Amid, Hasan, 2010-2010, Amid Culture, First Printing, Tehran, Amir Kabir Publishing.
- Faiz Kashani, Mullah Mohsen, 1417 AH, Al-Muhajat al-Bayda, Correction and Suspension: Ali Akbar Ghaffari, Fourth Edition, Islamic Publications Office.
- Farahani, Mohsen, 2010, Descriptive Culture of Education Sciences, Tehran, Secrets of Knowledge.
- Qortabi, Mohammad bin Ahmad, 1364 AH, commentary on al-Jumba Al-Qum (Al-Quran commentary), Tehran, Nasser Khosrow.
- Qoreati, Mohsen, 1374 AH, Tafsir Noor, Qom, Publications in the Right Way.
- Kolini, Mohammad ibn Yaghoub, 1362 AD, Al-Fifi, Tehran: Dar al-Kabul al-Salamiyah.
- Grossi, Amir, 2008 AD, Pathology Approach, Conversation with: Abbas Ali Shamly.
- motaghi Hindi, Ali ibn Hesam al-Din, 1401 AH, Kens al-Ma'ali al-Fayn al-'Aqawal and al-A'fiq, researcher, Bekri Hayani, Safavat al-Saqa, Fifth Edition, Beirut, Múseca al-Rasulte.
- Makarem Shirazi, Nasser, 1374 AD, Morality in the Qur'an, third edition, Qom, Imam Ali bin Abi Talib school.
- Makarem Shirazi et al., 2011, Sample Interpretation, Second Edition, Qom, Hajar
- Hashemi Rafsanjani, Akbar, 2008 AD, Quranic Culture, Second Edition, Qom, Book Garden.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar, 2008 AD, Commentary, Second Edition, Qom, Book Garden.
- Majlesi, Mohammad Bagher, 1403 AH, Baharalanavar, Beirut: Darjeya al-Tatar al-Arabi.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, Bey, Educational pamphlet, 492th, First session, Imam Khomeini Institute of Education and Research.
- Mohammadi ,rey Shahri, Mohammad, 1389 AH, Hindi, Hindi, Translator: Hamid Reza Sheikhi, Qom, Dar al-Hadith, Shiite Hadith Library Site.
- Mohaddesi, Javad, 1391, Describing Forty Hadiths of Imam Khomeini (RA), Third Edition, Qom, Hajar.
- Attached
- Pathological Approach, Amir Grossi, Conversation with: Abbas Ali Shamly, 2008.
- Comprehensive Al-Tufasir Noor Software, Computer Science Research Center of Islamic Sciences.

Comprehensive Software of Aladdin 5/3 Light [A Comprehensive Culture of the Traditions of the Prophet (pbuh) and Ahlul-Bayt (AS)], Computer Research Center of Islamic Sciences.

Methodology of Education to Prevent Interference Emphasizing Twelfth Verse of Al-Hujurat Surah

Hadi Razzaqi Hariandei: Assistant Professpr, Nooshirvni Industrial University, Babol Branch

Roqiyeh Sadeqi Ahangari: Level 4 of Theology, Hazrat e Khadijeh University, Babol

Abstract

One of the most important issues that the Islamic religion is very concerned about is respecting honor and prestige of Muslims and avoiding inspection in ideas and interfering in others' lives. Interference and seeking information in people's personal lives is not allowed and no one is allowed to reveal the secrets; In fact, searching is a factor in discovering secrets and mysteries and possibly the hidden faults of people and Islam never allows individuals' private secrets to be revealed. Therefore, the present study according to twelfth Verse of Al-Hujurat Surah, studies the causes of spying and interference such as lack of piety, jealousy and enmity from verses and states that if not left, this is a moral vice having adverse consequences, including exposing personal life and creating hatred among people and the method is descriptive – analytical. Finally, referring to the treatment strategy of this moral disease the article states that following the instructions of Qur'an in choosing the correct method of education can achieve peace and safety in people's personal lives.

Keywords: method. Education, investigation, interference, Hujurat, Islam, Quran.